



دعاهای هفتگی

دُعَاءُ الْجَوْشَنِ الصَّغِيرِ

دعای جوشن صغیر

روایت از امام سجاد (ع) – مصباح المتهجد، شیخ طوسی

حسینیہ کاشانیفرید

تهران، شریعتی، ظفر، پ ۸۸

hosseiniyeh-kashanifarid.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ،

خدایا! چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر من کشید

وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدْيَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبًّا حَدَّهُ،

و لبة تیغش را برایم تیز کرد و دم اسلحه‌اش را باریک ساخت

وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ، وَسَدَّدَ إِلَيَّ صَوَائِبَ سِهَامِهِ،

و زهرهای کشنده‌اش را برایم درهم آمیخت و تیرهای بی‌خطایش را نشانه گرفت

وَلَمْ تَمَّ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ،

و چشم نگهبانش از من به خواب نرفت

وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ،

و پنهان بر آن بود که مرا در معرض ناخوشایندی قرار دهد

وَيَجَرَّعَنِي ذُعَافَ مَرَارَتِهِ.

و زهر جگرسوزش را به من بچشانند

فَنَظَرْتُ إِلَى ضَعْفِي عَنْ احْتِمَالِ الْفَوَاحِ وَعَجَزِي عَنْ

پس به ناتوانی‌ام از تاب‌آوردن حوادث بزرگ نگریستی

الْإِتِّصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ،

و درماندگی‌ام را از انتقام از کسی که با جنگ قصدم کرد

وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ مِّمَّنْ نَاوَانِي وَأَرْصَدَ لِي فِيمَا لَمْ

و تنهایی‌ام را در برابر بسیاری که آزارم می‌خواستند و در کمینم نشستند

أَعْمَلُ فِكْرِي فِي الْإِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ،

دیدم، در آنچه اندیشه‌ام را برای مقابله به‌کار نگرفتم

فَأَيَّدَتْنِي بِقُوَّتِكَ، وَشَدَّدْتَ أَرْزِي بِنُصْرَتِكَ،

پس مرا به نیرویت حمایت کردی و پشتم را با یاریت محکم نمودی

وَقُلْتُ لِي حَدَّهُ، وَخَذَلْتُهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَشْدِهِ،

و تیغ او را کند کردی و او را پس از گردآوری نفراتش خوار نمودی

وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ.

و مقامم را بر او برتری دادی

وَوَجَّهْتَ مَا سَدَدَ إِلَيَّ مِنْ مَكَائِدِهِ إِلَيْهِ،

و آنچه از نیرنگ‌هایش به‌سویم نشانه گرفته بود، به‌سوی خودش بازگرداندی

وَرَدَدْتَهُ عَلَيْهِ، وَلَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ،

و بر ضد او به‌کار بستی، ولی عطش کینه‌اش فرو ننشست

وَلَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَيْظِهِ، وَقَدْ عَضَّ عَلَى أُنَامِلِهِ،

و سوزش خشمش سرد نشد، درحالی‌که از عصبانیت انگشت به دندان گزید

وَأَدْبَرَ مُوَلِّيًا قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَايَاهُ،

و پشت کرده گریخت و سپاهش تارومار شد

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری



وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ،

خدایا! چه بسیار متجاوزی که با نیرنگ‌هایش به من ستم کرد

وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

و دام‌های شکارش را در راهم نهاد و مراقبتش را بر من گماشت

وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ،

و در کمینم نشست، همچون کمین‌گذار درنده‌ای برای شکارش

اَنْتَظَارًا لَا تَنْتَهَازُ فُرْصَتَهُ، وَهُوَ يُظْهِرُ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ،

منتظر فرصت مناسب، درحالی که خوش رویی چاپلوسانه نشان می داد

وَيَبْسُطُ وَجْهًا غَيْرَ طَلِقٍ.

و به سختی گشاده رویی می کرد

فَلَمَّا رَأَيْتَ دَغَلَ سَرِيرَتَهُ،

پس چون حيله گری نهادش را دیدی

وَقُبِحَ مَا اَنْطَوَى عَلَيْهِ لِشَرِيكِهِ فِي مَلَّتِهِ،

و زشتی پندار نهفته اش را بر زیان هم کیشش

وَأَصْبَحَ مُجْلِبًا لِي فِي بَغْيِهِ أَرْكَسَتْهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ،

و به بامداد درآمد که در ستمش بر من هجوم آورد، سرنگونش ساختی

وَأَتَيْتَ بُنْيَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ، فَصَرَعْتَهُ فِي زِينَتِهِ،

و ریشه اش را از بیخ برکنیدی، و در چاهی که برایم کنده بود درانداختی

وَرَدَيْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ،

و در ژرفای گودالش

وَجَعَلَتْ خَدُّهُ طَبَقًا لِتُرَابِ رِجْلِهِ،

و گونه‌اش را همپای خاک پایش قرار دادی

وَشَغَلْتَهُ فِي بَدَنِهِ وَرِزْقِهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ،

و او را به جسم و روزی‌اش سرگرم کردی، و با سنگ خودش زدی

وَحَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَذَكَّيْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ،

و با زه کمان خودش خفه‌اش ساختی، و با نیزه‌های خودش نابودش کردی

وَكَبَبْتَهُ لِمَنْخَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ،

و به‌رو بر خاک مذلّت انداختی، و حيله‌اش را به گردنش برگرداندی

وَرَبَّقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ، وَفَسَّأْتَهُ بِحَسْرَتِهِ.

و به بند پشیمانی گرفتارش کردی، و به حسرتش به باد فنایش دادی

فَاسْتَخِذْ أَتَضَاءَ بَعْدَ نَحْوَتِهِ،

از این رو پس از کبر و نخوتش خوار و کوچک شد

وَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي رِبْقِ

و پس از گردن‌فرازی‌اش پست شد، اسیر در بند

حَبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُؤَمِّلُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا يَوْمَ سَطْوَتِهِ،

دامی که آرزو داشت مرا در روز گردن‌کشی‌اش در آن ببیند

وَقَدْ كَذْتُ يَا رَبِّ لَوْلَا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحُلَّ بِي مَا حَلَّ

و چه نزدیک بود، پروردگارا، اگر رحمتت نبود، بر من فرود آید

بِسَاحَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

آنچه بر او فرود آمد؛ پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أْنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ شَرِقَ بِحَسْرَتِهِ،

خدایا! چه بسیار حسودی که از حسرت برافروخته گشت

وَعَدُوٌّ شَجِيَ بِغَيْظِهِ، وَسَلَقْنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ،

و دشمنی که از خشمش اندوهناک شد و با نیش زبانش آزرده‌ام ساخت

وَوَخَزَنِي بِمُوقِ عَيْنِهِ، وَجَعَلَنِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ،

و مژگانش را چون نیزه‌ای به بدنم فرو برد و هدف تیرهای سرزنش کرد

وَقَلَّدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ.

و کاستی‌هایی به گردنم انداخت که همواره در خود اوست

نَادَيْتَكَ يَا رَبَّ مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثَقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ،

پروردگارا! پناه‌جویانه تو را خواندم، مطمئن به سرعت اجابت

مُتَوَكِّلًا عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ،

و توکل‌کنان به خوبی دفاعت که همواره می‌شناختم

عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ،

با آگاهی به اینکه هرکه به سایه حمایتت پناه آورد، آزار نبیند

وَلَنْ تَفْرَعَ الْحَوَادِثُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ،

و کسی که به قلعه یاریات پناه آورد، حوادث او را درهم نکوبد

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ،

پس به قدرتت مرا از آزار او حفظ کردی

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری



وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّتْهَا،

خدایا! چه بسیار ابرهای ناملايمات که از زندگی‌ام زدودی

وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ مَطْرَتْهَا، وَجَدَاوِلٍ كَرَامَةٍ أَجْرَتْهَا،

و آسمان نعمتی که باران‌دی، و نهرهای بخشندگی که روان ساختی

وَأَعْيُنٍ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا، وَنَاشِئَةٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا،

و چشمه‌های حوادثی که نابود کردی، و نهال رحمتی که گستردی

وَجَنَّةٍ عَافِيَةٍ اَلْبَسْتَهَا، وَغَوَامِرٍ كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا،

و زره عافیتی که پوشاندی، و گرداب‌های گرفتاری که برطرف کردی

وَأُمُورٍ جَارِيَةٍ قَدَّرْتَهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا،

و اموری که مقدر فرمودی، آنگاه که آن را طلبیدی، ناتوانت نکرد

وَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا،

و هرگاه اراده‌شان کردی از فرمانت سر نیپچیدند

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از يادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ،

خدایا! چه بسیار گمان نیکی که تحقق بخشیدی

وَمِنْ كَسْرِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ فَادِحَةٍ حَوَّلْتَ،

و شکستگی نداری که جبران کردی، و بی‌چیزی طاقت‌فرسایی که برطرف کردی

وَمِنْ صَرَعَةٍ مُهْلِكَةٍ نَعَشْتَ، وَمِنْ مَشَقَّةٍ أَرَحْتَ،

و از سقوط هلاکت‌باری که بلندم کردی، و دشواری‌ای که آسان کردی

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ،

تو بازخواست نشوی از آنچه می‌کنی و دیگران بازخواست شوند

وَلَا يَنْقُصُكَ مَا أَنْفَقْتَ.

و از آنچه می‌بخشی چیزی کاسته نشود

وَلَقَدْ سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسَأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ،

اگر از تو خواسته شد، عطا کردی، و اگر خواسته نشد، خود آغاز کردی

وَاسْتُمِيعَ بَابُ فَضْلِكَ فَمَا أَكْذَبْتَ،

و از فضلت درخواست شد و تو دریغ نکردی

أَيُّتَ إِلَّا إِنْْعَامًا وَامْتِنَانًا،

ناخرسند نبودی مگر از نعمت‌بخشی و امتنان

وَالْأَتَطَوُّلَا يَا رَبِّ وَإِحْسَانًا،

و جز از فزون‌بخشی و احسان، ای پروردگار

وَأَيُّتُ إِلَّا أَنْتَهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ، وَاجْتِرَاءً عَلَى مَعَاصِيكَ،

و من ناخرسند نبودم مگر از هتک محرمات و جسارت بر گناهانت

وَتَعْدِيَا لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ،

و تجاوز از حدودت و غفلت از تهدیدت

وَطَاعَةَ لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ،

و فرمان‌بری از دشمنم و دشمنت

لَمْ يَمْنَعَكَ يَا إِلَهِي وَنَاصِرِي إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ عَنْ

ای معبود و یاورم، کوتاهی‌ام در شکر تو را از تمام‌کردن احسانت

إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَلَا حَاجَتَنِي ذَلِكَ عَنْ ارْتِكَابِ مَسَاحِطِكَ.

بازنداشت، و این مرا از ارتکاب خشت مانع نشد

اللَّهُمَّ وَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِيلٍ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّوْحِيدِ،

خدایا! این است جایگاه بنده‌ای فرومایه که به یگانگی تو اقرار کرد

وَأَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ فِي آدَاءِ حَقِّكَ،

و بر خویش به کوتاهی در ادای حقت گواهی داد

وَشَهِدَ لَكَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ وَجَمِيلِ عَادَتِكَ عِنْدَهُ

و برای تو گواهی داد به کمال نعمت بر او و شیوه دلنشینت نزد او

وَإِحْسَانِكَ إِلَيْهِ،

و احسانت بر او

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أُرِيدُهُ إِلَى

پس به من ببخش، ای خدای من و سرورم، از احسانت آنچه در راه رسیدن به

رَحْمَتِكَ، وَاتَّخِذْهُ سُلَّمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ،

رحمت می‌خواهم، تا نردبانی سازمش که از آن به‌سوی خشنودیات بالا روم

وَأَمِّنْ بِي مِنْ سَخَطِكَ، بِعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ،

و با آن از خشم امان یابم، به حق توانمندی و بی‌نیازیات

وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و به حق پیامبرت محمد -درود خدا بر او و خاندانش-

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي كَرْبِ الْمَوْتِ،

خدایا! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را در سختی مرگ گذراند

وَحَشْرَجَةِ الصَّدْرِ،

و تنگی نفس سینه

وَالنَّظَرِ إِلَى مَا تَقْشَعُرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ،

و نگاه به آنچه پوست‌ها از آن می‌لرزد

وَتَفَرَّعَ لَهُ الْقُلُوبُ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و دل‌ها بی‌تاب می‌شوند، و من از همه این‌ها در سلامت‌م

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ سَقِيمًا مُوجِعًا فِي

خدایا! چه بسا بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را بیمار و دردمند گذراند

أَنَّهُ وَعَوِيلٌ يَتَقَلَّبُ فِي غَمِّهِ لَا يَجِدُ مَحِيصًا،

در ناله و فریاد، در اندوهش می پیچید و گریزی نمی یافت

وَلَا يُسِغُ طَعَامًا وَلَا شَرَابًا، وَأَنَا فِي صِحَّةٍ مِنَ الْبَدَنِ،

و خوراک و نوشیدنی گوارایی نمی یافت، و من در تندرستی جسمم

وَسَلَامَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، كُلُّ ذَلِكَ مِنْكَ،

و سلامت زندگی ام، همه این ها از توست

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست ناپذیری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت های از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از يادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أُمْسَى وَأَصْبَحَ خَائِفًا مَرْعُوبًا

خدایا! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را ترسان و هراسان گذراند

مُشْفِقًا وَجَلًّا هَارِبًا طَرِيدًا مُنْجَرًّا فِي مَضِيقٍ وَمَخْبَأَةٍ

پريشان و بیمناک، فراری و رانده‌شده، پنهان در تنگنا و مخفیگاهی

مِنَ الْمَخَابِي قَدْ ضَاقتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ بُرْجَهَا،

که زمین با همه فراخی‌اش بر او تنگ شده بود

لَا يَجِدُ حِيلَةً وَلَا مَنَجًى وَلَا مَأْوًى،

و چاره و پناهگاهی نمی‌یافت

وَأَنَا فِي أَمْنٍ وَطُمَأْنِينَةٍ وَعَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و من در امنیت و آرامش و سلامت کاملم از همه این‌ها



فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ مُقْتَدِرٌ لَا يُغْلَبُ وَذِي أَنَاةٍ لَا

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری و بردباری

يَعْجَلُ،

که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مَغْلُولًا

خدایا و آقایم! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را در بند

مُكَبَّلًا فِي الْحَدِيدِ بِأَيْدِي الْعُدَاةِ لَا يَرْحُمُونَهُ،

زنجیر و آهن به دست دشمنانی که رحمش نمی‌کنند گذراند

فَقِيدًا مِنْ أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُنْقَطِعًا عَنْ إِخْوَانِهِ وَبَلَدِهِ،

دور از خانواده و فرزند، بریده از برادران و شهرش

يَتَوَقَّعُ كُلَّ سَاعَةٍ بِأَيِّ قِتْلَةٍ يُقْتَلُ،

هر لحظه منتظر بود که چگونه کشته شود

وَبِأَيِّ مِثْلَةٍ يُمِثَّلُ بِهِ،

و چگونه اعضایش بریده شود

وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و من از همه این‌ها در سلامت کاملم

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ يُقَاسِي الْحَرْبَ

خدایا! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را در سختی جنگ گذراند

وَمُبَاشَرَةَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ غَشِيَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ

و پیکار با جان‌ش، درحالی‌که دشمنان از هر سو با شمشیر و نیزه

جَانِبٍ بِالسُّيُوفِ وَالرِّمَاحِ وَآلَةِ الْحَرْبِ،

و ابزار جنگ او را احاطه کرده بودند

يَتَقَعَّقُ فِي الْحَدِيدِ قَدْ بَلَغَ مَجْهُودَهُ لَا يَعْرِفُ حِيلَةً،

در آهن به تلاش افتاده، نهایت کوشش کرده، راه چاره نمی‌یافت

وَلَا يَجِدُ مَهْرًا، قَدْ أُدِنَ بِالْجَرَاحَاتِ،

و گریزگاهی نمی‌یافت، از جراحات بیمار شده

أَوْ مُتَشَحِّطًا بَدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِكِ وَالْأَرْجُلِ،

یا در خون خود زیر سم‌ها و پاها غلطان

يَتَمَنَّى شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَةً إِلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ لَا

جرعه‌آبی یا نگاهی به خانواده و فرزندش آرزو می‌کرد

يَقْدِرُ عَلَيْهَا، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

و توانش را نداشت، و من از همه این‌ها در سلامت

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحَارِ

خدایا! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را در تاریکی‌های دریاها

وَعَوَاصِفِ الرِّيحِ وَالْأَهْوَالِ وَالْأَمْوَاجِ،

و تندبادها و هراس‌ها و امواج گذراند

يَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَالْهَلَكَ، لَا يَقْدِرُ عَلَى حِيلَةٍ،

منتظر غرق و هلاکت، بی‌چاره

أَوْ مُبْتَلًى بِصَاعِقَةٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرْقٍ أَوْ خَسْفٍ

یا گرفتار صاعقه یا آوار یا آتش یا خفگی یا فرورفتن در زمین

أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ، وَأَنَا فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ،

یا مسخ یا اتهامی ناروا، و من از همه این‌ها در سلامت

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ مُسَافِرًا شَاخِصًا عَنْ

خدایا! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را مسافر و دور از

أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، مُتَحِيرًا فِي الْمَفَاوِزِ،

خانواده و فرزندان، سرگردان در بیابان‌ها گذراند

تَائِهًا مَعَ الْوُحُوشِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهُوَامِ،

سرگشته میان جانوران وحشی و چهارپایان و حشرات

وَحِيدًا فَرِيدًا لَا يَعْرِفُ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا،

تنها و بی‌پایور، چاره‌ای نمی‌یافت و راهی نمی‌شناخت

أَوْ مُتَّذِيًا بِيرِدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عُزٍّ أَوْ غَيْرِهِ

یا آزرده از سرما یا گرما یا گرسنگی یا برهنگی یا دیگر سختی‌ها

مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خَلَوْتُ فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ

که من از آن‌ها برکنار و در سلامت کاملم از همه این‌ها

كُلِّهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس، ای پروردگار، که توانایی شکست‌ناپذیری



وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فَقِيرًا عَائِلًا

خدایا و آقایم! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را تهیدست

عَارِيًا مُمْلَقًا مُخَفِقًا مَهْجُورًا جَائِعًا ظَمَانًا،

بی‌چیز، عریان، نیازمند، پریشان، گرسنه و تشنه گذراند

يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ،

منتظر کسی که بر او احسان کند



أَوْ عَبْدٍ وَجِيهِ عِنْدَكَ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ وَأَشَدُّ

یا چه بسا بندهٔ آبرومندی که نزد تو از من آبرومندتر

عِبَادَةٌ لَكَ،

و عبادتش بیشتر است

مَغْلُولًا مَقْهُورًا قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ،

درحالی که در غل و زنجیر، باری سنگین از رنج

وَشِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَكُلْفَةِ الرِّقِّ، وَثِقَلِ الضَّرِيَّةِ،

و سختی بردگی و هزینۀ آن بر او بار شده

أَوْ مُبْتَلًى بِلَاءٍ شَدِيدٍ لَا قَبْلَ لَهُ إِلَّا بِمَنْكَ عَلَيْهِ،

یا گرفتار بلای سختی که جز به لطف تو تاب آن را ندارد

وَأَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمَعَاذُ الْمُكْرَمُ فِي عَافِيَةٍ

و من مورد احترام، در نعمت، سالم و گرامی ام از آنچه او



مِمَّا هُوَ فِيهِ،

در آن است

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ كُلِّهِ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس تو را سپاس بر همهٔ این‌ها، ای توانای شکست‌ناپذیر

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ.

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ عَلِيًّا مَرِيضًا

خدایا و آقایم! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را ناخوش و بیمار

سَقِيمًا مُدْنِفًا عَلَى فُرْشِ الْعِلَّةِ وَفِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ

و دردمند در بستر بیماری گذراند و از درد

يَمِينًا وَشِمَالًا،

به راست و چپ می‌غلطید

لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَلَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ،

و لذت خوراک و نوشیدنی را در نمی‌یافت

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا

با حسرت به خود می‌نگریست و توان دفع زیان یا جلب سود نداشت

نَفْعًا، وَأَنَا خَلَوُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و من به جود و کرمت از همه این‌ها برکنارم

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس معبودی جز تو نیست، منزهی، توانای شکست‌ناپذیر



وَذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت‌کنندگان قرار ده

وَلْنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

و بر نعمت‌هایت از سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به رحمتت بر من مهر ورز، ای مهربان‌ترین مهربانان

مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ وَقَدْ دَنَا

مولایم و سرورم! چه بسا بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را نزدیک به

يَوْمَهُ مِنْ حَتْفِهِ،

مرگ گذراند

وَأَحْدَقَ بِهِ مَلِكُ الْمَوْتِ فِي أَعْوَانِهِ يُعَالِجُ سَكْرَاتِ

و فرشته مرگ با یارانش او را احاطه کرده، در سختی‌های جان‌دادن

الْمَوْتِ وَحَيَاضُهُ،

و گرداب‌های آن دست‌وپا می‌زد

تَدُورُ عَيْنَاهُ يَمِينًا وَشِمَالًا يَنْظُرُ إِلَى أَحِبَّائِهِ

چشمانش به راست و چپ می‌چرخید و به محبوبان

وَأَوْدَائِهِ وَأَخْلَائِهِ، قَدْ مُنِعَ مِنَ الْكَلَامِ،

و دوستان و یارانش می‌نگریست، از سخن‌گفتن بازداشته شده

وَحُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ،

و از خطاب محروم گشته

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا

با حسرت به خود می‌نگریست، توان دفع زیان یا جلب سود نداشت

نَفْعًا، وَأَنَا خَلُوءُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و من به جود و کرمت از همه این‌ها برکنارم

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس معبودی جز تو نیست، منزهی، توانای شکست‌ناپذیر

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

سپاس‌گزاران و در برابر عطاهايت از یادکنندگان قرار ده

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به رحمتت بر من مهر ورز، ای مهربان‌ترین مهربانان



مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ فِي مَضَائِقِ

مولا و آقایم! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را در تنگنای

الْحُبُوسِ وَالسُّجُونِ وَكُرْبَهَا وَذُلُّهَا وَحَدِيدَهَا تَدَاوُلُهُ

زندان‌ها با ناراحتی و خواری و آه‌نش گذراند، درحالی‌که زندانبانان

أَعْوَانُهَا وَزَبَانِيَّتِهَا فَلَا يَدْرِي أَيُّ حَالٍ يُفَعِّلُ بِهِ،

و دژخیمان‌ش او را دست‌به‌دست می‌گردانند و نمی‌دانست با او چه خواهد شد

وَأَيُّ مَثَلَةٍ يُمَثِّلُ بِهِ،

و چگونه اعضایش بریده خواهد شد

فَهُوَ فِي ضَرٍّْ مِنَ الْعَيْشِ وَضَنْكِ مِنَ الْحَيَاةِ يَنْظُرُ إِلَى

پس او در سختی زندگی و تنگنای زیستن است، با حسرت به خود می‌نگرد

نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا،

و توان دفع زیان یا جلب سود ندارد

وَأَنَا خَلُؤُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و من به جود و کرمت از همه این‌ها برکنارم

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس معبودی جز تو نیست، منزهی، توانای شکست‌ناپذیر

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت‌کنندگان قرار ده

وَلِنِعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِآثَاكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

و بر نعمت‌هایت از سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان

وَأَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به رحمتت بر من مهر ورز، ای مهربان‌ترین مهربانان

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَكَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَأَصْبَحَ قَدْ اسْتَمَرَ

آقا و مولایم! چه بسیار بنده‌ای که شامگاه و بامدادش را با قضایی

عَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَأَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ،

پیوسته سخت و گرفتاری گذراند

وَفَارَقَ أَوْدَاءَهُ وَأَحِبَّاءَهُ وَأَخْلَاءَهُ،

و از دوستان و محبوبان و یارانش جدا افتاد

وَأَمْسَى أَسِيرًا حَقِيرًا ذَلِيلًا فِي أَيْدِي الْكُفَّارِ وَالْأَعْدَاءِ

و اسیر، حقیر و خوار در دست کافران و دشمنان شد

يَتَدَاوُلُونَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا قَدْ حُصِرَ فِي الْمَطَامِيرِ،

که او را دست‌به‌دست می‌گرداندند و در سیاه‌چال‌ها محبوسش کردند

وُنُقِلَ بِالْحَدِيدِ،

و با آهن سنگینش کردند

لَا يَرَى شَيْئًا مِنْ ضِيَاءِ الدُّنْيَا وَلَا مِنْ رَوْحِهَا،

چیزی از روشنی دنیا و نسیمش نمی‌دید

يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا

با حسرت به خود می‌نگریست، توان دفع زیان یا جلب سود نداشت

نَفْعًا، وَأَنَا خَلُوتُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و من به جود و کرمت از همه این‌ها برکنارم

فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ،

پس معبودی جز تو نیست، منزهی، توانای شکست‌ناپذیر

وَذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ،

و بردباری که شتاب نمی‌ورزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از عبادت‌کنندگان قرار ده

وَلِنَعْمَائِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلَا لَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

و بر نعمت‌هایت از سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان

وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به رحمتت بر من مهر ورز، ای مهربان‌ترین مهربانان

وَعِزَّتِكَ يَا كَرِيمٌ لَا تُطْلَبَنَّ مِنِّي مِمَّا لَدَيْكَ،

و به عزّتت سوگند، ای کریم، هرآینه از آنچه نزد توست درخواست می‌کنم

وَلَا لِحُزْنٍ عَلَيْكَ،

و بر تو اصرار می‌ورزم

وَلَا مُدَنَّ يَدِي نَحْوَكَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَيْكَ يَا رَبِّ فَبِمَنْ

و دستم را با گناهش به‌سویت دراز می‌کنم، پروردگارا، پس به که پناه ببرم؟

أَعُوذُ؟ وَيَمْنُ الْوُذُ؟ لَا أَحْدَ لِي إِلَّا أَنْتَ،

و به که رو کنم؟ کسی را جز تو ندارم

أَفْتَرِدْنِي وَأَنْتَ مُعَوَّلِي وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي.

آیا مرا برانی، در حالی که تکیه‌گاه و توکلم بر توست؟

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ،

از تو می‌خواهم به نامت که بر آسمان نهادی و پابرجا شد

وَعَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ،

و بر زمین نهادی و آرام گرفت، و بر کوه‌ها نهادی و استوار شد

وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَعَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ،

و بر شب نهادی و تاریک شد، و بر روز نهادی و روشن شد

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي

که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همهٔ نیازهایم را

حَوَائِجِي كُلَّهَا،

برآورده سازی



وَتَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا،

و همه گناهانم، کوچک و بزرگ، بیامرزی

وَتَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شَرَفَ الدُّنْيَا

و روزی‌ام را چنان گسترده سازی که مرا به شرف دنیا

وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و آخرت برسانی، ای مهربان‌ترین مهربانان

مَوْلَايَ بِكَ اسْتَعْنْتُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مولایم! از تو یاری می‌خواهم، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَأَعِنِّي، وَبِكَ اسْتَجَرْتُ فَأَجِرْنِي،

و یاری‌ام ده، و به تو پناه جستم، پس پناهم ده

وَأَغْنِنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ طَاعَةِ عِبَادِكَ،

و مرا با طاعت خود از طاعت بندگانت بی‌نیاز کن

وَبِمَسْأَلَتِكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ خَلَقْتَ،

و با درخواست از تو، از درخواست از خلقت

وَأَنْقُلَنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى،

و از خواری تنگدستی به عزّت توانگری ام برسان

وَمِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ،

و از خواری گناه به عزّت طاعت

فَقَدْ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ جُودًا مِنْكَ وَكَرَمًا،

همانا مرا بر بسیاری از مخلوقات برتری دادی، از جود و کرم

لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّي.

نه از روی شایستگی من

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ،

خدایا! تو را سپاس بر همه اینها



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِنِعْمَائِكَ مِنْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر نعمت‌هایت از

الشَّاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ،

سپاس‌گزاران و در برابر عطا‌هایت از یادکنندگان قرار ده

وَأَرْحَمَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و به من مهر ورز، ای مهربان‌ترین مهربانان

سَجَدَ وَجْهِي الدَّلِيلُ لَوَجْهِكَ الْعَزِيزِ الْجَلِيلِ،

سجده کرد چهرهٔ پست و خوارم برای ذات توانمند و بزرگوارت

سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لَوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي،

سجده کرد چهرهٔ فرسوده و فانی‌ام برای ذات پاینده و باقیات

سَجَدَ وَجْهِي الْفَقِيرُ لَوَجْهِكَ الْغَنِيِّ الْكَبِيرِ،

سجده کرد چهرهٔ تهیدستم برای ذات بی‌نیاز و بزرگت

سَجَدَ وَجْهِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَجِلْدِي وَعَظْمِي

سجده کرد چهره و گوش و چشم و گوشت و خون و پوست و استخوانم

وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و آنچه زمین از من در بر گرفته، برای خدا، پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ عُدْ عَلَيَّ جَهْلِي بِحِلْمِكَ، وَعَلَيَّ فَقْرِي بِغِنَاكَ،

خدایا! به نادانی‌ام با بردباری‌ات بنگر، و به تهیدستی‌ام با توانگری‌ات

وَعَلَيَّ ذُلِّي بِعِزِّكَ وَسُلْطَانِكَ، وَعَلَيَّ ضَعْفِي بِقُوَّتِكَ،

و به خواری‌ام با عزّت و سلطنتت، و به ناتوانی‌ام با توانایی‌ات

وَعَلَيَّ خَوْفِي بِأَمْنِكَ،

و به ترسم با امنیتت

وَعَلَيَّ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَنُ يَا

و به گناهان و خطاهایم با گذشت و رحمتت، ای بخشنده



رَحِيمُ

مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ،

خدایا! من به مدد تو سینه فُلان پسر فُلان را دفع می‌کنم

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ فَاكْفِنِيهِ بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ

و از شرّش به تو پناه می‌برم، پس از او حفظم کن، آن‌گونه که

وَأَوْلِيَاءَكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَالِحِي عِبَادِكَ مِنْ فِرَاعِنَةِ

پیامبران و اولیا و بندگان شایسته‌ات را از فرعون‌های آفریدگانت

خَلْقِكَ، وَطُغَاةِ عِدَاتِكَ، وَشَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ،

و دشمنان طغیانگرت و از شرّ همه مخلوقات حفظ کردی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

به رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان



إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

همانا تو بر هر کاری توانایی

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و خدا ما را بس است و نیکو کارگزاری است



وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ

و اگر خدا به تو زبانی برساند، هیچ برطرف‌کننده‌ای جز او نیست؛ و اگر خیری برایت بخواهد، هیچ بازدارنده‌ای برای فضل او نیست.

سوره یونس، آیه ۱۰۷

خوانندگان گرامی

از همه عزیزانی که این صفحات را می‌خوانند صمیمانه التماس دعا داریم.
خوانندگان را در دعا‌های خیر خود شریک و سهیم بدانید.

انتقاد، پیشنهاد و اصلاح

در صورت مشاهده اشکال در متن یا ترجمه، بازخورد شما را خوشحال می‌شویم دریافت کنیم.



hosseinieh-kashanifarid.ir

